

تحلیل سیاسی هفته (۱) سرنگونی هواپیمای ترکیه توسط سوریه، دلایل و پیامدها

ناآرامی‌ها در سوریه و دخالت قدرت‌های بین‌المللی و برخی از کشورهای منطقه در تداوم این ناآرامی‌ها پس از ۱۶ ماه، این بحران را به سمت و سوی مجهولی سوق داده است.

در این مدت، دولت و ارتش سوریه با حفظ انسجام داخلی خود به مقابله با ناآرامی‌ها پرداخته و موفقیت‌های بسیاری هم کسب کردند، اما مأموریت کوفی عنان فرستاده سازمان ملل به این کشور و گسیل ناظران بین‌المللی به فرماندهی ژنرال رابرت مود سوئدی، به نوعی فضا را برای فعالیت مجدد تروریست‌ها و گروه‌های شورشی مسلح فراهم کرد تا در فرصت تنفس مصنوعی ایجاد شده برای آنها، علاوه بر دریافت آموزش‌های جدی و تسلیحات پیشرفته و بیشتر، بتوانند مناطق از دست رفته را بار دیگر تصرف کنند که این گروه‌ها نیز از این فرصت فراهم شده نهایت بهره‌برداری را کردند و توانستند در برخی مناطق حضور و نفوذ خود را در زمانی که دست ارتش سوریه برای مقابله با آنها بسته بود، گسترش دهند.

هرچند در بعد نظامی ارتش سوریه همچنان نیروی برتر است و این برتری به سادگی از این نیروی منسجم و آموزش‌دیده گرفته نمی‌شود، اما در بعد سیاسی کشورهای شناخته شده مخالف دمشق تلاش می‌کنند تا همچنان سوریه را به زانو درآورند و در این مورد تلاش‌های بی‌شائبه‌ای نیز صورت می‌گیرد.

تلاش برای ناکارآمد کردن ارتش سوریه و دعوت از افسران آن برای پیوستن به شورشیان، یا دستکم فرار از خدمت و خروج از کشور از ابتدای شروع ناآرامی‌ها در این کشور در دستور کار بوده و در شرایط فعلی تشدید شده است. این بحران‌سازی که با تبلیغات شدید و پرحجم رسانه‌ای همراه شده است، اکنون در اولویت اقدامات رسانه‌ای و تبلیغاتی دشمنان سوریه قرار گرفته است. به بیان دیگر، کشورهای مخالف سوریه به هیچ عنوان در مورد وفاداری گسترده ارتش سوریه به نظام حاکم این کشور حساب نکرده بودند و بر این باور بودند که فقط جامعه سیاسی سوریه است که در قالب حزب بعث همچنان به حمایت‌های خود از بشار اسد ادامه می‌دهد و نظامیان سوری مانند لیبی در گروه‌های بزرگ که شامل ژنرال‌های شناخته شده می‌شوند، از ارتش جدا و به صف شورشیان و مخالفان خواهند پیوست؛ بنابراین نهاد ارتش سوریه به صورت هدفمند، مورد حمله رسانه‌ای و جنگ روانی شدید و متمرکزی قرار گرفته است.

عملکرد موفق ارتش سوریه در جنگ شهری و سرکوب کردن شورشی‌ها با کمترین تلفات، حساسیت بر آن را چند برابر کرده تا جایی که این موضوع به اصل تجهیز ارتش این کشور و فروش سلاح به آن نیز کشیده شده است. در حقیقت کشورهای مخالف سوریه با درک این موضوع که با توجه به انسجام داخلی ارتش سوریه، حمله به این کشور امکان‌پذیر نیست، به روسیه و دیگر کشورهای نزدیک به سوریه فشار وارد می‌کنند تا به نیروهای مسلح سوریه سلاح و تجهیزات جدید و پیشرفته به بهانه استفاده از آن علیه شورشیان - که در اصطلاح آنها شهروندان محسوب می‌شوند - فروخته نشود. البته در این مورد ارتش سوریه تلاش کرده تا اصل پاسخ سنجیده و متقابل و متناسب را در دستور کار خود قرار دهد و از کاربرد نیروی هوایی، توپخانه سنگین، بالگرد و زره‌پوش‌های سنگین خودداری کند.

اقدام انگلیس در توقف یک کشتی روسی که حامل برخی تجهیزات بازسازی شده ارتش سوریه مانند بالگردهای میل ۲۴ بود، به همراه سخنان مقامات آمریکا و دبیرکل اتحادیه عرب پیرامون درخواست از روسیه برای خودداری از فروش سلاح به سوریه از این دست، اقدامات به شمار می‌رود.

این تحریکات رسانه‌ای و سیاسی در طول چند هفته گذشته باعث شد تا یک فروند میگ ۲۱ متعلق به نیروی هوایی ارتش سوریه با ورود به حریم هوایی اردن، در فرودگاهی در شمال این کشور فرود آمده و خلبان آن تقاضای پناهندگی کند. این اقدام که در میانه تحولاتی به حجم و گستردگی ناآرامی‌های سوریه اقامی عادی و قابل پیش‌بینی تعریف می‌شود، دچار نوعی بزرگ‌نمایی در رسانه‌های مخالف سوریه و حامی تروریست‌ها شد، که متعاقب آن حتی وزیر دفاع آمریکا نیز به میدان آمد و خواستار جدا شدن نظامیان سوریه‌ای از ارتش این کشور شد.

فرود بدون در دسر جنگنده سوریه‌ای در پایگاه هوایی ملک حسین در هفت کیلومتری مرزهای مشترک و عدم تیراندازی به آن، به همراه اقدام اردن در اعطای پناهندگی سیاسی به خلبان جنگنده مزبور با وساطت و درخواست متعدد کشورهای غربی و عربی، بیانگر نوعی هماهنگی با خلبان این جنگنده و اطلاع از فرود آن بوده است. در صورتی که چنین مسئله‌ای برای مقامات سوریه‌ای ثابت شود، آنها این اقدام کشور همسایه را نوعی دشمنی آشکار برآورد کرده و ممکن است دست به اقدام متقابل بزنند. این موضوع در پیام تند، صریح و قاطع سوریه به دولت اردن مبنی بر پس دادن هواپیما و خلبان آن به این کشور خود را نشان داد. در این میان انتشار خبر سرنگونی یک جت جنگنده متعلق به ترکیه که یکی از طرف‌های ناآرامی‌ها در سوریه به شمار می‌رود، به صورت کامل ورق را برگرداند. این جنگنده که به همراه یک فروند جنگنده دیگر از پایگاه هوایی ملطیه در مرکز ترکیه به پرواز درآمده بود، یک ساعت بعد هنگام پرواز بر فراز دریای مدیترانه از صفحه رادار ناپدید می‌شود. ناپدید شدن این جنگنده از روی صفحه رادار و همزمان با آن انتشار اخباری مبنی بر آتش گشودن پدافند هوایی سوریه بر روی دو هواپیمای متجاوز ناشناس که توسط برخی سایت‌های خبری این کشور منتشر شد، از واقعیت دیگری خبر می‌داد و آن اینکه این دو هواپیمای جنگنده با نفوذ به حریم هوایی سوریه، در نزدیکی سواحل این کشور هدف آتشبارهای ضدهوایی قرار گرفته‌اند و یکی از آنها سرنگون شده است. یک مقام نظامی سوریه‌ای در گفتگو با تلویزیون دولتی این کشور می‌گوید دو شیء پرنده ناشناس با ورود به حریم هوایی سوریه، با سرعت زیاد و ارتفاع پست شناسایی شدند که براساس قوانین بین‌المللی و حق دفاع از خود، توسط پدافند هوایی ساحلی علیه آنها اقدام شد. به گفته این مقام سوری، این جسم ناشناس که در فاصله یک کیلومتری ساحل سوریه هدف قرار گرفت، فوراً دچار آتش‌سوزی و در هشت مایلی (۱۳ کیلومتری) ساحل سوریه و در آب‌های سرزمینی این کشور سرنگون شد. برخی از شاهدان عینی می‌گویند این جنگنده توسط یک فروند موشک ضدهوایی هدف قرار گرفته است. اما نکته مهمی که رسانه‌های نزدیک به سوریه به نقل از منابع مطلع در این کشور اقدام به انتشار آن کردند، اقدام ترک‌ها در ورود به حریم هوایی سوریه در چند نوبت به منظور محک زدن سیستم پدافند سوریه بوده است که به نظر می‌رسد نظامیان سوری برای پایان دادن به این اقدام خارج از قانون همسایه مداخله‌گر، یک فروند از این جنگنده‌ها را هدف قرار داده‌اند تا این گونه اقدامات در آینده تکرار نشود.

مواضع ترک‌ها

دولت ترکیه و رسانه‌های این کشور از ابتدای این حادثه مواضع متناقض و متعددی گرفتند که در این میان مهمترین نکته مشترک آنها عدم واکنش آنها به این اقدام سوریه بوده است. رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر ترکیه که در مسیر برزیل بود بلافاصله به ترکیه بازگشت تا کمیته بحران تشکیل دهد، هر چند نفس تشکیل چنین کمیته‌ای برای اعلام حالت جنگی است، اما آنچه که برآیند این جلسه بود، نشان‌دهنده مقصر بودن جنگنده ترک و ورود آن به حریم هوایی سوریه بوده و نخست‌وزیر ترکیه سعی می‌کند آن را به نوعی رفع و رجوع کند، اما توان پاسخگویی در مورد دلیل و هدف پرواز این جنگنده در سواحل سوریه برای افکار عمومی را ندارد. رسانه‌های ترک به نقل از برخی از مقامات ارتش این کشور مدعی شدند که جنگنده‌های مزبور برای پوشش عملیات علیه شورشیان پ.ک.ک به پرواز درآمده بودند که در استان هاتای و در آب‌های دریای مدیترانه هدف قرار می‌گیرند، این دروغ رسانه‌ای چنان ناشیانه بود که خیلی زود از خروجی خبرگزاری‌های ترک برداشته شد، زیرا محل درگیری ارتش ترکیه با شورشیان کرد در جنوب شرق این کشور و در فاصله ۶۰۰ کیلومتری از محل حادثه بوده است. سردرگمی مقامات ترک در واکنش به این رویداد را می‌توان در چند مسئله دید، نخست اظهارات اردوغان مبنی بر لزوم عذرخواهی رسمی سوریه به خاطر این حادثه بود - مسئله‌ای که خیلی زود تکذیب شد - و دیگری درخواست از سوریه برای کمک جهت یافتن خلبانان این جنگنده که گفته می‌شود موفق به خروج اضطراری از هواپیمای خود شده‌اند و بالاخره سوم تأیید تلویحی و نه صریح اردوغان مبنی بر هدف قرار گرفتن این جنگنده که خود نشان نوعی ناپاوری شدید داشت. اما واکنش عبدالله گل رئیس‌جمهور ترکیه به این رویداد و تصریح وی بر ورود این جنگنده به حریم هوایی سوریه، خود مهمترین دلیل در سلب هر گونه قدرت واکنش توسط سران تندمزاج ترکیه به خصوص نخست‌وزیر این کشور به شمار می‌رود. با توجه به این مواضع و انتشار اخباری مبنی بر حضور افسران سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا در مرزهای ترکیه - سوریه جهت نظارت بر مسلح کردن شورشیان و تقسیم سلاح میان آنها، تنها می‌توان بر این موضوع تأکید کرد که این جنگنده‌ها برای تست

رادارهای سوریه وارد این منطقه شده و حامل سیستم‌های جیمینگ پیشرفته - یا همان سیستم‌های اختلال راداری - نیز بوده‌اند، اما توسط ضدهوایی سوریه هدف قرار گرفته‌اند و این اقدامی در راستای سنجش ارتش سوریه پس از پناهنده شدن یک جنگنده ارتش این کشور به اردن بوده است.

تحلیل رویداد

در تحلیل و ارزیابی این حادثه باید گفت، این موضوع به نفع سوریه و ارتش این کشور تمام شد و این مسئله را در واکنش‌های رسانه‌ای و سیاسی به آن به خوبی می‌توان دریافت، در مقابل ضرری که دولت آقای اردوغان از این ماجراجویی کرد، زیاد بود، زیرا آنها تحت هیچ شرایطی فکر نمی‌کردند ارتشی که درگیر یک نبرد شهری طاقت‌فرسا با تروریست‌هاست، دست به چنین اقدامی بزنند. در تبیین این مدعا می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

۱. ارتش سوریه نشان داد همچنان آماده است، به خصوص در حوزه پدافند هوایی،
۲. ارتش سوریه یادآوری کرد پناهنده شدن یک جنگنده این کشور به اردن، دلیلی بر این نیست که ارتش سوریه نتواند وظایف محوله را انجام دهد،
۳. سوریه ثابت کرد در صورت نیاز می‌تواند پدافند خود را به کار اندازد و این میزان هشجاری را دارد که هواپیمای متجاوز را در آب‌های سرزمینی خود سرنگون کند،
۴. ارتش سوریه به همه طرف‌های منطقه‌ای یادآوری کرد برخلاف باور آنها همچنان انسجام دورنی خود را حفظ کرده و محک‌زدن این ارتش چندان ساده نخواهد بود،
۵. این اقدام باعث شد طرفداران دولت سوریه در داخل نسبت به توانایی ارتش خود ایمان آورند.
۶. فرار خلبان جنگنده میگ ۲۱ به اردن به نوعی غرور نظامی سوریه‌ها را جریحه‌دار کرده بود که با این اقدام این غرور بار دیگر به نیروهای مسلح سوریه بازگشته است.
۷. این اقدام نشان داد رادارها و سیستم‌های پدافندی سوریه هشیار و آماده هستند، اگر در سال‌های گذشته جنگنده‌های اسرائیلی با استفاده از حریم هوایی ترکیه امکانی در سوریه را بمباران می‌کردند، اکنون امکان چنین مسئله وجود ندارد،
۸. دولت و ارتش سوریه با این اقدام پیام‌های مهمی برای طرف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به خصوص ترکیه و ناتو فرستادند، زیرا ترکیه عضو ناتو بوده و هرگونه حمله به این کشور تمام اعضای این پیمان نظامی را پشت سر ترکیه قرار خواهد داد، سوریه‌ها با این اقدام اعلام کردند که واهمه‌ای از ناتو ندارند،
۹. اقدام ارتش سوریه در هدف قرار دادن جنگنده ترک پیام مهمی هم برای شورشیان و تروریست‌های مورد حمایت ترکیه داشت که بارها و بارها از این کشور خواسته بودند که در سوریه مداخله نظامی کند، اما با وجود هدف قرار گرفتن یک جنگنده این کشور توسط پدافند سوریه، ترک‌ها حتی اعتراض رسمی هم به سوریه نکردند و دولت سوریه هم از این اقدام عذرخواهی نکرد،
۱۰. یکی از مهمترین طرف‌هایی که پیام اقدام نظامی سوریه را باید شنیده باشند، کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به خصوص قطر و عربستان هستند که بارها خواستار دخالت نظامی در سوریه و حمله به این کشور شده بودند، بدون شک ارتش‌های این دو کشور بسیار ضعیف‌تر از ارتش ترکیه هستند.

اما نباید از تأثیرات این حادثه بر تحولات داخلی ترکیه هم غافل بود این تحولات را می‌توان در چند مورد خلاصه کرد:

۱. دولت رجب طیب اردوغان و حزب عدالت و توسعه به دلیل این اقدام به شدت تحت فشار داخلی به خصوص از سوی احزاب مخالف قرار خواهند گرفت. انتشار خبر ورود افسران سیا به جنوب این کشور باعث شد تا حزب جمهوریخواه خلق وزیر امور خارجه را به پارلمان فراخوانده و از وی در این مورد توضیح بخواهد.
۲. افکار عمومی ترکیه تا پیش از این بر اثر تبلیغات رسانه‌ای دولت سوریه را در حوادث این کشور مقصر قلمداد می‌کردند، اما امروز این دولت آقای اردوغان است که در مظان راه‌اندازی یک جنگ منطقه‌ای قرار گرفته است.
۳. ترکیه از این به بعد نمی‌تواند خود را از دخالت در امور داخلی سوریه و تهدید این کشور مصون نگه دارد و سوریه این حق را خواهد داشت که اقدامی تلافی‌جویانه در همان سطح و اندازه انجام دهد.
۴. نیروی‌های مخالف دولت ترکیه مانند شورشیان پ.ک.ک از این فرصت نهایت بهره‌برداری را کرده و بر ضعف نظامی ارتش ترکیه پس خواهند برد و بر میزان حملات خود خواهند افزود.

۵. درخواست ترکیه از نیروی دریایی سوریه برای کمک جهت یافتن خلبانان مفقود هواپیمای ساقط شده، خود تأییدی است بر حاکمیت کامل سوریه بر اوضاع داخلی و برون‌مرزی خود.

۶. اردوغان و حزب عدالت و توسعه هر چند هم بگویند که همه گزینه‌ها را در نظر خواهند داشت، اما این شکست سیاسی، نظامی و اطلاعاتی میزان حمایت مردم از آنها را کم خواهد کرد، همان‌گونه که گفته شد، هر اتفاقی که در ترکیه روی دهد مردم این کشور آن را از چشم اردوغان و حزب وی خواهند دید، این موضوع به خصوص در انتخابات شهرداری‌ها تأثیر نهایی خود را خواهد گذاشت.

موضوع قابل توجه در مورد هدف قرار گرفتن این جنگنده، موضع رسانه‌های مخالف دولت سوریه بود که از ابتدا بر مفقود شدن این هواپیما تأکید می‌کردند و به‌صورت پررنگ عذرخواهی رسمی دولت سوریه از این حادثه را متذکر می‌شدند، موضوعی که واقعیت عینی نداشت و به‌نظر می‌رسد بیشتر برای تجدید روحیه شورشیان مسلح سوریه‌ای این اقدام صورت گرفته است.

مسئله دیگر در این مورد، همزمانی این حادثه با سفر ولید المعلم وزیر امور خارجه سوریه به روسیه است که این موضوع را می‌توان به اظهارات ژنرال‌های سوری مرتبط دانست. در سخنان یک مقام نظامی سوریه‌ای در مورد سرنگونی این جنگنده آمده که ما یک هواپیمای متجاوز ترکیه‌ای را با استفاده از سامانه موشکی روسی هدف قرار دادیم، که این به‌نظر می‌رسد پیامی روشن برای آمریکا و ترکیه باشد که سامانه‌های موشکی و ضدهوایی سوریه از آمادگی قابل توجهی برخوردار و از حمایت‌های فنی روسیه بهره‌مند هستند.

ارزیابی نهایی

با توجه به موارد گفته شده، دو مسئله اولویت پیدا می‌کند که هر دو نیز مربوط به ترکیه است، زیرا سوریه با خویشتنداری‌هایی که در مقابل ترکیه داشته حق همسایگی را بجا آورده است، این دو موضوع عبارتند از: اول اینکه ترکیه برای حفظ ظاهر و ژست قاطعیت خود همچنان به مواضع خصمانه خود علیه سوریه و ۱۶ ماه تنش با دمشق ادامه بدهد، دوم اینکه از این حادثه درس بگیرد و در برنامه‌های هماهنگ‌شده خود با جبهه ضدسوری تجدیدنظر جدی کند. زیرا حالت دوم با سیاست «صفر کردن مشکلات داود اوغلو» که به سیاست «صد کردن مشکلات با همسایگان» تبدیل شده است، بیشتر همخوانی خواهد داشت.

این اقدام ارتش سوریه تأثیرات و دستاوردهای متعددی خواهد داشت که شاید مهمترین آنها حذف هرگونه گزینه نظامی علیه این کشور و ماجراجویی غربی در سوریه خواهد بود، این مسئله در مواضع دولت روسیه هم دیده می‌شود. سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه این کشور برای چندمین بار تأکید کرد که با هر طرحی که در آن سخن از رفتن بشار اسد از قدرت باشد به شدت مخالف است.

البته در این میان نمی‌توان از تلاش‌های ترکیه برای باز کردن پای ناتو به این مسئله غافل ماند. ترک‌ها که در خود توانایی پاسخگویی به این اقدام سوریه را نمی‌بینند، با این هدف دست به چنین اقدامی می‌زنند تا شاید یک اجماع غربی با محوریت خود علیه سوریه به وجود بیاورند، اما تجربه ۱۶ ماه گذشته ثابت کرده این پیمان نظامی سعی نمی‌کند در جایی که ریسک بالایی برای نظامیان عضو داشته باشد وارد شود. در این مورد اگر تحرکاتی هم دیده شود بیشتر بار روانی دارد تا بار عملیاتی و در همین راستا می‌توان تحرکات نیروی هوایی انگلیس در مدیترانه را تفسیر کرد که تلاش می‌کند پیش از برگزاری نشست گروه تماس سوریه در ژنو، امتیازی هر چند محدود از سوریه و متحدان این کشور بگیرد.